



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۲

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 6, No. 4, Winter 2024



حق انتفاع از سهمیه ورزشی و چالش اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی

مصطفی شریفی*

doi 10.22034/ethics.2024.51340.1672

چکیده

از مسائل چالش برانگیز در مسابقات بین‌المللی و صعود به قله قهرمانی، رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی است که اختلاف نظرها و موضع‌گیری موافقان و مخالفان را در پی داشته است. نادیده انگاشتن «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و لزوم استیفای آن همواره از ادله موافقان رویارویی و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی و لزوم «حمایت از مظلوم» از مهمترین دلایل مخالفان بوده است. در این مقاله، پس از تحلیل مفهوم «حق» در سیاق «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و تبیین متعلق آن که نهادهای رسمی و فدراسیون‌ها هستند، با تکیه به مبانی و آموزه‌های اسلامی، بر نادرستی مدعای موافقان جواز اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، استدلال شده و در این راستا، با بهره‌گیری از قواعد تراحم و رجحان باورهای مبتنی بر اعتقاد به لزوم «حمایت از مظلوم»، بر اولویت و ضرورت عدم الزام به مسابقه و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی تأکید شده است. بایسته است مسئولان امر، ضمن زودن ابهام‌ها در باب مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، این بار سنگین را از دوش جامعه ورزش برداشته و تدارک خسارت کنند.

کلیدواژه‌ها

تعارض اخلاقی، حق انتفاع، سهمیه ورزشی، مصاف با ورزشکاران اسرائیلی.

* دانشجوی دکتری مدرس معارف اسلامی، گرایش اخلاق دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. | msh.94@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

■ شریفی، مصطفی. (۱۴۰۲). حق انتفاع از سهمیه ورزشی و چالش اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی. فصلنامه اخلاق پژوهی.

doi: 10.22034/ethics.2024.51340.1672. ۱۳۶-۱۱۹، (۲۱)۶

مقدمه

ورزش، نهادی پویا و اثرگذار در جوامع نوین است که با انگیزش کسب مهارت، قدرت، ثروت، عنوان و امتیاز، حکومت‌ها را ناگزیر به روی‌آوری به این ورطه ساخته است. به ندرت می‌توان کشوری را یافت که فاقد برنامه مدون ورزشی بوده و نسبت به دستاوردها و منافع حاصل از آن در عرصه بین‌المللی بی‌تفاوت باشد. گستره ورزش در عرصه جهانی و استقبال فراگیر ملت‌ها، مایه افزایش قدرت حکومت‌ها به واسطه تقوُّق در مسابقات ورزشی است (نک: شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۷). برترین مقام قهرمانی در بازی‌های المپیک و سپس جام جهانی^۱ رقم می‌خورد؛ میدانی که مدعیان قهرمانی سراسر جهان برای کسب سهمیه آن، نهایت استعداد و تلاش خود را به کار بسته تا با تثبیت و نمایش توانمندی‌های خود بدرخشند. اخذ جواز حضور در این مسابقات، متوقف بر زحمات طاقت‌فرسا و صرف هزینه‌های بسیار و مبارزه و مسابقاتی دشوار است و اختصاص سهمیه به ورزشکاران، حق و امتیازی است که سلب یا واگذاری آن به دیگری در نگاه نخست، نادرست می‌نماید.

از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، هنگامی که نمایندگان ورزشی با اخذ سهمیه، به مسابقات جهانی و المپیک راه یافته و در قرعه‌کشی هم‌گروه با ورزشکاران رژیم صهیونیستی شدند و از ادامه مسابقه بازمانده‌اند. برای مثال، آرش میراسماعیلی - دارنده دو مدال طلای جهانی در رشته جودو - امیدوار بود تا بتواند مدال طلای مسابقات المپیک آتن سال ۲۰۰۴م را به دست آورد، اما در مراحل نخست با ورزشکار اسرائیلی هم‌گروه شد و برای آنکه با او روبه‌رو نشود به بهانه رعایت نکردن حد وزن مجاز، از مسابقات کناره‌گیری کرد. او که انتخاب اول مجله آمریکایی اسپورتس ایلستریتد^۲ برای کسب مدال طلا در رشته جودو بود، حاضر به مسابقه با ایهودواکس جودوکای اسرائیلی نشد و بنا بر قانون المپیک، از دور مسابقات حذف شد و البته، میراسماعیلی این رفتار را در راستای دفاع از مردم مظلوم فلسطین اعلام کرد.^۳

تأثیر ورزش در نظم نوین جهانی و امتناع از رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی، محدودیت‌ها و تهدیداتی را برای ورزشکاران و جامعه ورزشی به دنبال داشته^۴ و از مسائل بحث‌انگیزی است



۱۲۰

1. World Cup

2. Sports Illustrated

۳. دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا. (۲۰۲۱). خبرگزاری مهر. برگرفته از - <https://fa.wikipedia.org/wiki>

۴. از جمله این تبعات و تهدیدها، می‌توان به تعلیق فدراسیون جودو ایران در تمامی مسابقات قاره‌ای و جهانی و احتمال تسری این تعلیق به سایر رشته‌های ورزشی، محرومیت از کسب مدال در رویدادهای بین‌المللی، افزایش مهاجرت و

که آوردگاه آراء موافقان و مخالفان شد. این مهم اندیشمندان و اصحاب ورزش را برانگیخت تا با ارائه یافته‌های علمی و میدانی خود، پیامدهای عدم مصاف با ورزشکاران اسرائیلی را از منظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی مورد بررسی و نقد قرار دهند.^۱ بنابر برخی پژوهش‌ها، «ظرفیت ورزش ایران به عنوان یکی از اهرم‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی مطرح می‌شود و هر گونه آسیب به آن، ممکن است منجر به خدشه‌دار شدن انسجام داخلی و امنیت ملی شود» (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰). لکن مسئله مورد غفلت، بُعد اخلاقی نادیده انگاشتن حق ورزشکار در انتفاع از سهمیه ورزشی است که می‌توان آن را یکی از ادله موافقان جواز مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات بین‌المللی برشمرد. این دسته، انتفاع از این امتیاز را حقی برای ورزشکار دانسته و معتقدند که استیفاء حق، عادلانه و بایسته است. از طرفی، مخالفان مصاف و رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی، بر این باورند که مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی، به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن این رژیم غاصب^۲ بوده و این عمل اعانه به ظلم و به یقین غیر اخلاقی است.

دو رویکرد متعارض جواز مصاف و عدم مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، به دلیل «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و همچنین «حمایت از مظلوم» در این مسئله وجود دارد و این سؤال مهم مطرح می‌شود که با چه مبنا و دلیلی، ورزشکاری که کسب سهمیه کرده است باید از این حق محروم شود؟ و اساساً آیا کسب سهمیه در مسابقات، «حقی» برای ورزشکاران ایجاد می‌کند؟ رویکرد سودگرایان و اندیشمندان اسلامی در تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها و در ادامه، منظر و نگاه سودگرایانه - به دلیل قرابت با انگیزه سودمحور اکثر ورزشکاران - بررسی و نقد شد و سپس در عرضه تعارض بر علوم اسلامی، کسب سهمیه ورزشی به عنوان امتیاز جواز و یا حق جواز، مورد تحلیل مفهومی قرار گرفت و با

پناهندگی ورزشکاران ایرانی، متزوی شدن ورزش ایران، یأس و استعفاء مسئولین ورزشی اشاره کرد (نک: شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۳-۲۱۶).

۱. در زمینه مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی، اندک مقالاتی به رشته تحریر در آمده که البته، عمدتاً بیگانه با موضوع پژوهش «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» است.

۲. چرایی و ثمرات خودداری ورزشکاران از مسابقه با نمایندگان رژیم غاصب صهیونیستی. (۱۴۰۲). برگرفته از



به چالش کشیدن ادعاها و استدلال‌های مطروحه، نادرستی مقدمات مدعای «حق داشتن» اثبات شده است و در نهایت، راهکاربرونرفت از شبهه تعارض اخلاقی، ارائه و تبیین گردید.

بررسی رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی از منظر سودگرایان

بررسی جزئیات تعارض اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی و گزینش یک طرف، نیازمند معیار درست ارزش‌گذاری است. ورزشکاران و متصدیان امر ورزش بنا بر وظایف ذاتی خود، به دنبال کسب عنوان قهرمانی و در نتیجه، ارتقای جایگاه و رتبه ورزش کشور اند و از هرآنچه آنان را در این مسیر باز دارد احتراز می‌جویند. از این‌رو، با استناد به قوانین و به دور از مسائل حاشیه‌ای، تمام توان و همت خود را به کار بسته و با طرح ادعای «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» در صدد ایصال به اهداف ورزشی هستند. جواز مسابقه و مصاف با حریفان اسرائیلی، با تکیه و تأکید بر «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و با هدف کسب سود و منافع بیشتر، با انگاره سودگروی^۱ همسو و نزدیک است.

سودگرایی اخلاقی، نظریه‌ای هنجاری است که ایجاد بیشترین خیر برای بیشترین افراد را ملاک فعل اخلاقی برمی‌شمارد. این نظریه هنجاری، به شکل منسجم در آثار جرمی بنتام^۲ مطرح شد و سپس شاگرد او جان استوارت میل^۳ با جدیت تمام به اصلاح و رفع نقایص آن پرداخت و بر این باور بود که اعمال انسان زمانی درست و بایسته است که در جهت افزایش خوشی همگانی باشد. در نظر بنتام و میل، مراد از خیر و منفعت، همانا لذت و فقدان رنج است و درستی یا نادرستی افعال بر اساس میزان تأثیری که در افزایش سود عمومی دارند، اندازه‌گیری می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). سودگرایان با محور قرار دادن «اصل سود»، بر این باورند که برنامه اجتماعی در ارتقای خیر و خوبی، باید به نحوی باشد که در آن سود همه افراد، از جمله خود عامل و در بحث کنونی خود ورزشکاران، لحاظ شود و اگر منافع افرادی در تعارض با یکدیگر قرار گرفت، باید آنچه متضمن منافع تعداد بیشتری است، برگزیده شود. «در واقع، میل هم بر عنصر کیفیت در ارزیابی افعال تأکید دارد و هم بر اصالت منفعت عمومی و ابزاری و

1. utilitarianism

2. Jeremy Bentham (1748-1832)

3. John Stuart Mill (1806-1873)

غیری بودن سود شخصی اصرار می‌ورزید. البته، در درجه‌بندی افعال باید مقدار لذت یا المی که یک فعل‌إرادی به‌بار می‌آورد و حتی نتایج و پیامدهای آن حساب شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). اکثر سودگرایان، لذت حاصل از حق انتفاع از سهمیه ورزشی و یا اعانه‌مظلوم را مصداق سود‌غایی دانسته‌اند که عامل اخلاقی به دنبال حداکثرسازی آن است. در واقع، سودگروی اصل سود را بنیان اخلاق برشمرده و ملاک درستی و نادرستی افعال را اصل سود می‌داند (فرانکا، ۱۳۹۲، ص ۸۶). جرمی بنام برای سنجش و درجه‌بندی و در نهایت، محاسبه لذات و آلام، هفت معیار و سنجه ارائه کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴-۱۸۷) که به فراخور و تناسب با موضوع، به برخی از آن اشاره می‌رود.

الف) شدت: پاره‌ای لذات شدید و برخی ضعیف‌اند و بدیهی است که باید همواره لذایذ شدید مقدم شوند. از منظر معتقدان به «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» در مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی، منافع و لذت حاصل از ادامه مسابقه و کسب عنوان قهرمانی اهمیت بیشتری دارد و از همین‌رو، بر جواز اخلاقی این رویارویی تأکید دارند.

ب) میزان قطعیت لذت: عرصه مسابقات ورزشی، تجلی استعدادها و محل رقابت است و نه صحنه دفاع از مظلوم؛ از این‌رو، قانون ۵۰ منشور المپیک، دخالت هر گونه مسائل سیاسی و مذهبی در مسابقات ورزشی را ممنوع کرده است (سلیمانی‌کشایه و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹۲). بر این اساس، حصول لذت «انتفاع از سهمیه ورزشی» قطعی و یقینی است و حال آنکه نقش و کارایی عدم مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، با هدف «حمایت از مظلوم» محتمل است. در چنین مواردی باید به دنبال لذاتی بود که به تحقق و حصول‌شان اطمینان داریم.

ج) نزدیکی یا دوری لذات: از منظر سودگروی، برخی لذات قریب‌الحصول و نزدیک‌اند؛ همچون منافع حاصل از حق انتفاع از سهمیه ورزشی و برخی دیگر بعید‌الحصول و دوراند مانند اعانه به مظلومین فلسطین. از منظر سودگرایانه، در اینجا باید نسیه را فدای نقد کرده و لذات نزدیک‌تر را بر لذات دور ترجیح داد.

د) خلوص: برخی لذات مقرون و مستلزم هیچ‌گونه المی نیستند و در مقابل بیشتر لذت‌ها مقرون با آلام‌اند. حقوق مردم مظلوم فلسطین مقدم بر لذت مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی نیست و انتفاع از سهمیه ورزشی، نقشی در آن ظلم نداشته و از سویی عدم مصاف با اسرائیل مسبب و مایه خسارت به جمع کثیری از مردم است. روشن است انتخاب‌إرادی لذتی که مقرون با آلم و خسارت باشد، نادرست است و از همین‌رو، حق انتفاع از سهمیه





ورزشی راجح است.

ه) شمول و گستردگی: معیار دیگر برای محاسبه و مقایسه لذتها و آلام، میزان گستردگی و شمول آنهاست. افرادی که در فلسطین مورد ظلم قرار می‌گیرند نسبت به جامعه جهانی ورزشکاران منتخب و ملت‌هایشان، بسیار اندک‌اند. با توجه به اینکه در لذت گسترده، افزون بر ورزشکار منتخب، عده‌ای دیگر از مردم نیز از آن التذاذ می‌یابند، شمول لذات در انتفاع از سهمیه ورزشی و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات است. با توجه به اصل و الزام سودگرایان که به بار آوردن حداکثر لذت برای حداکثر مردمان را اقتضا دارد، (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳). به هنگام تعارض حق انتفاع از سهمیه ورزشی، با رجوع به مبانی و اصول نظریه سودگرایانه و با پذیرش قواعدی که سود را به حداکثر رساند، بیشترین سود در سطح جهانی و خیر عمومی در انتفاع از سهمیه ورزشی و جواز مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی است؛ گرچه ممکن است گاه به بهترین نتایج منجر نشود و شر بر خیر غالب آید، ولی آنچه اهمیت دارد این است که دست‌کم در نگاه نخست و در مجموع، منجر به غلبه خیر بر شر می‌شود.

جمع‌گیری از ورزشکاران با انتفاع از سهمیه ورزشی در مسیر قهرمانی طی طریق کرده و ملت خویش را خشنود می‌نمایند. بنا به ادعا و اعتقاد سودگرایان قاعده‌نگر، اگر هر کسی (ورزشکاری) به طور کلی یا در اغلب موارد بر اساس قواعد همیشه معمول عمل کند، خیر عمومی بیشتر حاصل می‌شود و این استدلال نسبتاً قوی است. با این نگاه، گویا معضل تعارض برطرف می‌شود. البته، به شرطی که تبعیت از قواعد، متضمن سود حداکثری بوده و دارای اولویت باشد تا در هنگام تعارض بتوان طرف راجح را شناخت و آن را مقدم کرد.

به نظر می‌رسد این نگره با اشکالاتی مواجه است از جمله این که: الف) اگر شدت به عنوان معیار محاسبه لذت و الم در نظر گرفته شود، آیا لذات اخروی شدیدتر، پایدارتر و خالص‌تر از لذات دنیوی نیستند؟ نادیده گرفتن لذت‌های اخروی از ایرادهای اساسی این نگاه و نظریه است. ب) اگر هر کسی بالضروره در جست‌وجوی لذت خویش برآید، پس باید آدمیان را موجوداتی خودپسند انگاشت و حال آنکه بسیاری از افراد با طیب خاطر کارهایی را انجام می‌دهند که هرگز نمی‌توان آن را خودپسندانه تلقی کرد (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰-۱۸۷). برای نمونه، عدم رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی در جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد توسط برخی دولت‌ها؛ انصراف کویت و کره‌شمالی از مسابقه و مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی در مسابقات آسیایی سال ۱۹۷۴م؛ مسابقه ندادن آرش میراسماعیلی با حریف اسرائیلی در المپیک ۲۰۰۴

آتن؛ انصراف ورزشکار عربستانی در المپیک ۲۰۱۶م؛ عبدالله منیاتو از لبنان؛ فتحی نورین از الجزایر؛ محمد عبدالرسول از سودان و افراد دیگری که به دلیل حمایت از مردم مظلوم فلسطین حاضر به مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی نشدند. ج) به نظر می‌رسد قطعیت، نزدیکی یا دوری لذات در میزان لذت و ألم تأثیری نداشته و نمی‌توان آن را معیاری برای ارزشمندی لذات تلقی کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). د) معیار خلوص نیز مربوط به لذات غیر و عرضی‌اند و نه لذات ذاتی. ه) معیار شمولیت و گستردگی که به فراگیری تعداد افراد بازمی‌گردد، دارای اشکال است. دو لذتی که برابری مانند کسب مدال طلای المپیک در دو رشته ورزشی، توسط ورزشکار منتخب از کشور هند^۱ (با جمعیتی بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر) و کشور نائورو^۲ (با جمعیت حدود ۱۲ هزار نفر) که از نظر گستردگی و شمولیت با هم متفاوت‌اند؛ در این صورت چرا باید لذت و ارزش کسب مدال طلای کشور هند را برتر از کشور نائورو بدانیم؟ بنا بر فرض، پذیرش شمول و گستردگی، تفاوت مهمی در بین لذت حاصل از «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «دفاع از مظلوم» وجود دارد؛ زیرا می‌توان پذیرفت به لحاظ کثرت جمعیت، انتفاع از سهمیه ورزشی در مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، ناخشنودی افراد بیشتری را در پی دارد؛ زیرا حس عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در فطرت اکثر مردم جهان نهادینه است و مصاف با ورزشکاران رژیم سفاک اسرائیل لذتی کمتر از حداکثر لذت ممکن در بدیل آن به بار می‌آورد. افزون بر این، نمی‌توان پذیرفت لذت و منفعت عمومی بدون قید و شرط، دلیل بر درستی حداکثر لذت برای حداکثر انسان‌هاست. و) در باب مؤلفه «کیفیت» نیز اشکالی وجود دارد و آن اینکه درجایی که سود در طرفین تعارض برابر باشد، ولی یک طرف با رذیله اخلاقی قرین شود، سودگرا هر دو طرف را دارای ارزش اخلاقی یکسان دانسته و عمل به هر طرف را صحیح برمی‌شمارد و حال آنکه طرف همراه با رذیله اخلاقی، نسبت به طرف دیگر مرجوح است و نباید این دورا مساوی انگاشت (نک: فرانکا، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

انتفاع از سهمیه ورزشی در مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، سودهایی از جمله، لذت ادامه مسابقه، نیل به مقام قهرمانی و کسب منافع مادی در پی دارد و البته، عدم رویارویی نیز می‌تواند ثمرات و منافی داشته باشد همچون حمایت از مردم مظلوم فلسطین. ظاهراً هر دو خیر در داشتن سود و منافع برابرند، اما با قطع نظر از سود، ادعا و انگاره جواز مصاف و مسابقه با

1. India
2. Nauru



ورزشکاران اسرائیلی نادرست است؛ زیرا مقرون به اعانه ظالم و یک رذیله اخلاقی است و این به معنای مخالفت با باورها و در نتیجه، نادیده گرفتن اصول اخلاقی و تعهدات انسانی است. بنابراین، سودگرا در محاسبه سود و روش معین برای قواعدی که بیشترین سود را در پی داشته باشد، گرفتار تردید و اشتباه شده است (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۸۹-۱۰۳). از همین روست که میل به عنوان سودگرای قاعده‌نگر، معتقد است که در برخی موارد تعارض، بدون رجوع به اصول کلی، باید عمل خاص مورد نظر بررسی شده و بر اساس نتایج آن ارزیابی شود.

ز) ایراد دیگر غیر عملی بودن توزیع عادلانه سود و اولویت‌بندی آن و نیز شناخت طرف راجح است. فرض کنید هر دو طرف تعارض دارای یک درجه باشند، مانند صرف منافع حاصل از رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی، برای پناهندگان فلسطینی و عدم مصاف به دلیل دفاع از پناهندگان فلسطینی (حمایت از مظلوم). سودگرا به علت عدم شناخت طرف راجح، هر دو طرف را دارای ارزش اخلاقی برابر دانسته و اولیوی در گزینش نخواهد داشت.

ح) ابهام دیگر در تشخیص ماهیت بیشترین خیر و حداکثرسازی میزان سود است، یعنی در این مسئله که غلبه سود باید برای چه تعداد از مردم باشد، اختلاف است و توافقی در میزان آن نیست (Chappell & Crips, 1998, p. 9169).

ط) اگر قواعد سودگرا در تأمین سود عمومی، منجر به عدم استفاده از «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» شد، آن‌گاه خسارت‌های ناشی از این نگره به فاعل اخلاقی و ورزشکار، توجیهی نخواهد داشت؛ زیرا نادیده انگاشتن امتیاز و سهمیه ورزشکار، محرومیت و نابودی سود اوست که به معنای عدم کارآمدی نگره سودگرایانه در حوزه فردی است. حاصل آنکه در تشخیص تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» با توجه به دیدگاه سودگرایان، انتخاب درست و عاری از نقص ارائه نگردید و باید به دنبال راهکار دیگری بود.

تبیین تعارض اخلاقی با رویکرد اسلامی

همانگونه که پیش‌تر بیان شد، مسئله جواز یا عدم جواز اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی، به مثابه یک تعارض اخلاقی پدیدار شده است و بررسی این تعارض از منظر اخلاقی مهم و ضروری است.

بازگردان مسائل و تعارض اخلاقی در فلسفه اخلاق و عرضه آن بر دیگر علوم، نیازمند تبیین

مفهومی و اتحاد موضوعی تام در طرفین تطابق است. در تعریفی جامع، «تعارض اخلاقی»^۱ بلا تکلیفی درونی برای تشخیص وظیفه اخلاقی به خاطر تعارض وظایفی که به یک اندازه اعتبار دارد (انکینسون، ۱۳۷۰، ص ۲۳) و یا موقعیتی است که در آن خود را بر سر دوراهی بیابیم، گویی راه سومی وجود ندارد و از سویی، انتخاب هر یک از آن دو به نحوی خلاف اخلاق می‌نماید (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵). تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «اعانه مظلوم» در مصداق مصاف با ورزشکاران اسرائیلی که در فلسفه اخلاق طرح گردید با رویکرد اسلام در سه حوزه فقهی، حقوقی و اخلاقی - در دو محور افعال و تکالیف - همواره مورد توجه بوده است. فلسفه اخلاق متکفل محور افعال در مباحث عقلی (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۳۶) و علم فقه که نشأت گرفته از دستورات الهی است، در هیئت اوامر و نواهی، عهده‌دار تعیین وظایف مکلفین در محور تکالیف شرعی است (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰). با این بیان، اوامر و نواهی شرعی، درست و نادرست اخلاقی و حقوقی را تشریح می‌نمایند. طرح تعارض در حوزه قوانین حقوقی، عنوان دیگری است که بازگشت آن به عقل و شرع است. علم فقه، افزون بر مباحث اخلاقی، مسائل حقوقی را نیز دربر دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۸) و با دست‌یابی به مسائل فقهی، مباحث اخلاقی و حقوقی نیز فهم‌پذیر خواهد شد. جایگاه تعارض اخلاقی در علم اصول، ذیل مباحث تراحم است؛ چنانکه آخوند خراسانی می‌نویسد:

لو كان المقتضى للحجیه فی کل واحد من المتعارضین لكان التعارض بینهما من تراحم الواجبین فیما اذا كانا مؤدیین إلی وجوب الضدین أو لزوم المتناقضین (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۱۹).

تراحم نزد اصولیین به معنای ناسازگاری و تمناع دو حکم، ناشی از عدم قدرت مکلف بر انجام همزمان آن‌هاست (نائینی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۷). برای خروج از تراحم ابتدا باید با تقیح مسئله و تحصیل مرجحات، درجه الزام هر کدام از طرفین تعارض تعیین شود، سپس بنا بر قواعد اصولی «کون احد المتزاحمین اهم من الآخر، فیجب تقدیم الأهم علی المهم بحکم العقل» (الواعظ، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۶۱) اولویت و ترجیح را با الزامی قرار داد که مهم‌تر و یا مقدم بر دیگری باشد (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۲). به اعتقاد برخی فقها و اصولیین، راه تشخیص اهم و تعیین وظیفه، تطابق با الزامات الهی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۵۰۳) و بر این اساس، با واشکافی طرفین



1. moral dilemma

تراحم «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» و تعیین درجه الزام هر کدام، می‌توان در جهت ارزش‌گذاری و اولویت‌بخشی به‌آنها، گام برداشت و با تقدّم آن، از تراحم خارج شد.

ارزیابی طرفین تعارض اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی

ابتداء تعارض اخلاقی^۱ بر دو تکلیف، غیر قابل جمع است که به یک اندازه اعتبار دارند (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۲۳). بر این اساس اگر بتوان در اعتبار یک طرف تکلیف رجحانی یافت، تعارض فروپاشیده و همان طرف مقدم و وظیفه‌فعل اخلاقی است. رجحان و درستی وظیفه در اسلام، منوط به تطابق آن با قانون الهی (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۵۰۳) است و از همین رو، اعتبار طرفین تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» در مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات جهانی و المپیک، شایسته ارزیابی و بررسی است.

الف) جواز مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات، امتیازی است که ورزشکار بر پایه حق انتفاع از سهمیه ورزشی کسب کرده است. در ارزیابی و صدق اعتبار مدعی، به نظر می‌رسد در معنای «حق» و اثبات آن برای ورزشکار، ابهاماتی است که تأمل و تبیین مفهومی را می‌طلبد.

«حق»^۲ در لغت واژه‌ای عربی و نقیض باطل است (جوهری، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۲۸۱). که به صورت اسم، مصدر و صفت بکار رفته و در معنای مورد اتفاق؛ ثبوت و ثابت شدن، (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۱۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵۶؛ قیومی، ۱۹۸۷، ص ۵۵؛ طباطبایی حکیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۸، جرجانی، ۱۴۲۴، ص ۶۱) عدل، حظ و نصیب، امر مقضی، سزاوار (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴) درست، ضد باطل، ثابت و واجب (عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۵۸) به کار رفته است. حق در معنای مصدری، به معنای ثبوت و در معنای وصفی، به معنای ثابت است (فروغی، ۱۳۹۷، ص ۴).

«حق» در اصطلاح فقهی، دو معنای متفاوت دارد: در معنای عام، «حق» شامل مؤیدات و ممضات شرع همچون حق ولایت برای حاکم، حق حضانت و وصایت (آل بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳) و از مصادیق حکم (تکلیفی، شرعی) است (فروغی، ۱۳۹۷، ص ۷) که این معنا از موضوع پژوهش خارج است. «حق»، در معنای خاص، عبارت است از سلطنت (شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴۴) فعل اعم از اینکه به عین، عقد، شخص یا غیر آن تعلق گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳،

1. moral dilemma

2. Rights

ص ۳۰-۳۴) و یا اینکه سلطنت ضعیفی از سنخ سلطنت موجود به مرتبه‌ای قوی‌تر در ملک است (حسینی حائری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۶۳). مقصود فقها از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت، (نانینی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶) همان مفهوم تسلط، اقتدار و چیرگی (آل بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۳) در زبان فارسی است که معنای منطبق بر مسئله پژوهش است.

از منظر حقوقی «حق» در معنای «داشتن امتیاز ویژه» (Hohfeld, 1919, p. 73) و یا «امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت کرده و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۲۲). «حق» در اصطلاح فقهی که به معنای خاص آن، یعنی «امتیاز و تسلط بر منافع خویش» است، به عنوان یک حکم وضعی شامل حق حقوقی^۱ الزام‌آور و در مقابل حق اخلاقی^۲ قرار دارد. با نگاه امروزی به فقه، هر دو معنای حق حقوقی و حق اخلاقی مورد بحث است؛ زیرا دست‌کم برخی از حقوق اخلاقی در فقه سامان می‌یابد (صرامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱).

پیش از تعیین مفهوم «حق»^۳ و اعتباری بودن آن، باید توجه داشت که در «حق»، چیزی (سهیمه مسابقه) برای کسی (نماینده برنده)، علیه دیگری (نماینده بازنده) وضع می‌شود (مصباح زدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷-۲۵۵). با تأمل در تعاریف، «حق» در سیاق «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به معنای حق بودن «امتیاز و تسلط ورزشکار بر منافع خویش» است، یعنی با وجود شرایط مقتضی، اگر ورزشکار از امتیاز و سهمیه خود استفاده کند این «حق» است و نه «باطل». «حق» که به صورت وصفی به کار رفته، به معنای «ثابت» است و معنای آن از راه تقابل «باطل» فهم می‌شود^۴ (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۳-۲۴)، اما این به معنای دارا شدن صاحب حق، یعنی «حق داشتن» نیست و لزوماً از معنای «حق بودن»، «حق داشتن» استنباط نمی‌شود. انتقال حق تحجیر به صغیر در معنای «حق بودن» است، اما به معنای «حق داشتن» نیست و صغیر نمی‌تواند در آن تصرف کند. إرادة انتفاع از حق توسط ورزشکار، تنها در استیفای حق دخیل است، نه در شکل‌گیری آن (توجهی، ۱۳۹۷، ص ۳۱) و اگر ورزشکار مسابقه داد، حق بوده است نه این که چون حق داشته، مسابقه داده است.

افزون بر این، ورزشکار نمی‌تواند این «حق بودن» در استفاده از سهمیه ورزشی خود را به دیگری

1. legal right
2. ethical right
3. right

۴. برای نمونه، نک: سوره اسراء، آیه ۸۱؛ سوره نساء، آیه ۴۹.



واگذارد و یا آن را اسقاط نماید، بلکه انتفاع یا عدم استفاده از سهمیه ورزشی، نهایت مواجهه اوست و این خود دلیلی بر «حق بودن» است؛ زیرا انتقال و اسقاط حق، نشان دهنده معنای «حق داشتن» است نه «حق بودن» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). حق در معنای «حق بودن» در سطح ارزش و در برابر «باطل» و خطا قرار دارد، ولی حق در معنای «حق داشتن» در سطح روابط اجتماعی است؛ گرچه «حق» در این دو معنا مصطلح بوده، اما از یکدیگر متمایزند (توجهی، ۱۳۹۷، ص ۴۳) و تفاوت این دو مفهوم در مقام اثبات و ثبوت است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

بر این پایه، «حق» در سیاق عبارت «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به صورت وصفی به کار رفته و در معنای ثابت است که از آن «حق بودن انتفاع از سهمیه ورزشی» تعبیر می‌شود. از این رو، از تعبیر «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»، الزام و تکلیفی به معنای «حق داشتن» برای ورزشکار ثابت نشد.

با فرض پذیرش «حق» در معنای مصدری و ثبوت، به مفهوم «حق داشتن»؛ در سیاق عبارت «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»؛ مهم شناخت متعلق حق است. به بیان دیگر، شناخت «کسی که حق برای اوست» (من له الحق) از ارکان و عناصر فهم درست و دقیق معنای «حق» است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵-۲۵۷). در مسابقات بین المللی و همچنین المپیک، تعلق سهمیه به ورزشکاران، بدون انتساب به کشور و دولت خاص ممکن نیست. در واقع، ورزشکاران منتخب، نمایندگان مؤیدی هستند که در راستای اهداف کشورشان به مسابقات بین المللی اعزام می‌گردند (www.olympic.ir/fa/aboutnoc/nochistory). بسیاری از کشورها بنا بر منافع خود از حضور در عرصه‌ای و یا مصاف با عضوی خاص، خوداری می‌کنند که امری متداول است و در دنیای ورزش و رقابت پذیرفته است. چنین تعاملی در سطح بین الملل حاکی از آن است که متعلق

۱. در المپیک ملبورن ۱۹۵۶م هلند، سوئیس، اسپانیا، مصر، عراق، کامبوج و لبنان از اعزام ورزشکاران خود به مسابقات خوداری کردند؛ المپیک مونترال ۱۹۷۶م چین حاضر به رویارویی با تایوان نشد و ۲۸ کشور آفریقایی ورزشکاران خود را از ادامه مسابقه منع کردند؛ المپیک مسکو ۱۹۸۰م آمریکا، آلمان و ۶۳ کشور دیگر از اعزام ورزشکاران خود به مسکو سرباز زدند؛ المپیک لس آنجلس ۱۹۸۴م شوروی و ۴ کشور دیگر با عدم حضور، آن را تحریم کردند؛ المپیک سنول ۱۹۸۸م کره شمالی، اتیوپی، کوبا و نیکاراگوئه مانع حضور ورزشکاران خود به مسابقات شدند؛ دیدار دو کشور آذربایجان و ارمنستان در یورو ۲۰۰۸م به علت اختلاف لغو شد؛ در بازی‌های انتخابی یورو ۲۰۱۶م اسپانیا حاضر به رویارویی با جبل الطارق نشد و در سال ۲۰۱۹م مالزی اجازه ورود ورزشکاران اسرائیلی را به کشور خود نداد. اخیراً با امضاء ۳۸ کشور و اعلام رسمی فیفا، تیم ملی روسیه و بلاروس از رقابت‌های انتخابی جام جهانی قطر ۲۰۲۲م تحریم شدند. (سایت خبری رجانوز. (۱۳۹۸). برگرفته از - www.rajanews.com/news/329119).

رسمی «حق»، نهادهای رسمی حکومتی و از جمله کمیته المپیک و یا فدراسیون‌های ورزشی هستند که وظیفه انتخاب و اعزام ورزشکاران به مسابقات را بر عهده دارند. نتیجه آنکه یک طرف تعارض، یعنی اختیار ورزشکار در مصاف با ورزشکار دیگری از یک کشور جعلی مثل اسرائیل بر مبنای «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» متزلزل و فاقد اعتبار است و این حق انتفاع از سهمیه و امتیاز، اولاً و بالذات متعلق به کمیته المپیک و فدراسیون‌های ورزشی است و ثانیاً و بالعرض متوجه ورزشکاران می‌گردد.

ب) عدم جواز رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات، تکلیفی است که ورزشکار بر پایه باورها، مخاطب آن است. در باورهای اعتقادی و اخلاقی، إعانه به ظالم به هر شیوه قبیح است و در مقابل، «حمایت از مظلوم» بایسته و پسندیده است. با إشغال بخشی از فلسطین و تأسیس رژیم اسرائیل از سال ۱۹۴۸م (سهلی، ۲۰۰۴، ص ۶) همواره فلسطینی‌ها توسط اسرائیل مورد ظلم، قتل و غارت قرار گرفته‌اند (صالح، ۲۰۰۲، ص ۸۰). درک قبیح ظلم توسط عقل و باورها، از بدیهیات است.

مبنای باور مسلمانان در قبیح إعانه ظالم، آیه شریفه «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوْلَوْهُمُ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره ممتحنه، آیه ۹) است. کاربرد افعال با صیغه جمع در این آیه، بیانگر اصل کلی، ممنوعیت دوستی کافه مسلمانان با دو گروه است: ۱) دشمنانی که با مسلمانان می‌جنگند؛ ۲) گروهی که از اخراج مسلمانان پشتیبانی می‌کنند. مصداق این دشمنان در حال حاضر رژیم غاصب صهیونیستی است که با مسلمانان می‌جنگد و آنان را اخراج می‌کند. مبنای باور مسلمانان در دفاع از مظلوم، آیه شریفه «وَمَا لَكُمْ لَأَ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه ۷۵) است. با توجه به نکات مطرح شده در این آیه شریفه، وظیفه هر مسلمانی تلاش برای رهایی مستضعفان از دست ظالمان است. همچنین در روایت زیر بر الزام به برخورد با ظالم و حمایت همیشگی از مظلومان تأکید شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (الكليني، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۳۹)





در همین راستا، امام علی (ع) فرموده‌اند: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، خطبه ۴۷). به اعتقاد بسیاری از علمای دین که مبین و مفسر شرع و مبلغ باورهای دینی هستند، از مصادیق قطعی آیات و روایات «نهی از اِعانه ظالم و لزوم و وجوب حمایت از مظلوم» در عصر حاضر رژیم غاصب اسرائیل و مردم مظلوم فلسطین هستند.

به اعتقاد امام خمینی (ره) «رابطه با اسرائیل و عمال آن - چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی - حرام و مخالفت با اسلام است»^۱ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۹). ایشان با تأکید بر لزوم حمایت از مردم بی‌پناه لبنان و فلسطین^۲ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۴۸). طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او را برای مسلمانان و دولت‌های اسلامی یک فاجعه می‌دانستند و مخالفت با این طرح را یک فریضه بزرگ اسلام برمی‌شمردند^۳ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۹۳-۲۹۴).

امام خمینی (ره) - در جمع شورای مرکزی حزب الله لبنان در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۹ - فرمودند:

دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حشیات مسلمین امری است لازم و به‌ویژه در شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان با نثار خون و جان خود فریاد «یا للمسلمین» سر می‌دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی، در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی‌ها و ددمنشی‌ها مقاومت و پایمردی کنیم و به یاری آنان بشتاییم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۸۶).

با توجه به آنچه تبیین شد، برای طرف اول تعارض در باب «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»، الزام و تکلیفی به معنای «حق داشتن» برای ورزشکاران ثابت نشد و استناد ورزشکاران و موافقان مصاف با ورزشکاران اسرائیلی؛ به أخذ سهمیه ورزشی، ره به جایی نبرد. از سوی دیگر، عدم مصاف و مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی در راستای به رسمیت نشناختن این رژیم غاصب بوده است (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۱) و ورزشکاران ایرانی همواره بر سر آرمان فلسطین و دفاع از حق مردم مظلوم فلسطین ایستاده و آن را ارزشی ملی و دینی تلقی می‌کنند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶). این موضع‌گیری که برگرفته از آیات و روایات مبنی بر «لزوم حمایت از مظلوم» است،

۱. بخشی از پیام امام خمینی (ره) به ملتها و دولت‌های اسلامی در تاریخ ۱۳۴۶/۳/۱۷.

۲. پیام امام خمینی (ره) به ملت ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۲.

۳. پیام به ملت ایران در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱۵.

معیار ارزش‌گذاری و رجحان در تراحم بوده و اهم بودن آن، به دلیل تطابق با قانون الهی و عقل است و از همین‌رو، اولویت یافته و مقدم می‌شود.

جبران انتفاع از سهمیه ورزشی

انتظار می‌رود ورزشکارانی که در عرصه جهانی و بین‌المللی پس از تحمل سختی‌ها کسب سهمیه کرده‌اند، بتوانند با بهره‌مندی از آن امتیاز در مسیر قهرمانی گام بردارند، اما هنگامی که هم‌گروه با ورزشکارانی از رژیم صهیونیستی می‌شوند خود را بر سر دوراهی نیل به آمال ورزشی و یا حمایت از مظلوم می‌یابند که باید به انتخابی دشوار دست یازند. این مسئله گاه سبب یأس و هدر رفت زحمات ورزشکاران می‌گردد و امتداد این مسیر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه ورزش به دنبال خواهد داشت. به نظر می‌رسد تحمیل این فشار بر ورزشکاران و مربیان، به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه از ناحیه مسئولین امر است و مسئولان باید بکوشند در عرصه بین‌المللی با روشنگری و ایجاد اجماع جهانی قوی مبنی بر عدم پذیرش و حذف رژیم صهیونیستی از گردونه مسابقات ورزشی، گام‌هایی مؤثر بردارند^۱ و اگر ممکن نشد همچون برخی کشورها^۲ با ادله خود، عدم هم‌گروه شدن با اسرائیل در مسابقات را رسمیت بخشند. نیز مجامع جایگزین برای هم‌فکران در عرصه‌های گوناگون تأسیس شود؛ به گونه‌ای که با امتیاز و جوایزی برتر از مسابقات جهانی و المپیک مقرون شود. سخن آخر اینکه لازم است برای جبران خسارت ورزشکارانی که به دلیل حمایت از مظلوم، از مصاف با ورزشکاران اسرائیلی خوداری کرده و از صعود و کسب مدال قهرمانی ناکام مانده‌اند، جوایز ویژه معادل و یا حتی بیشتر از مقام قهرمانی آن مسابقات در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

در گستره جهانی، قهرمانی و کسب عناوین ورزشی، مورث قدرت و ثروت است. برترین مقام قهرمانی با تلاش فراوان و کسب سهمیه، در بازی‌های المپیک و جام جهانی به دست می‌آید. در

۱. در صورت پذیرش حکومت رسمی فلسطین، مردم اسرائیل نیز می‌توانند در مجامع رسمی و ورزشی حضور یابند.

۲. برای نمونه، رویارو نشدن تیم فوتبال آذربایجان با ارمنستان و روسیه با اکراین که فیفا نیز آن را پذیرفت (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۱).



۱۳۳

این مسیر، مصاف با ورزشکاران اسرائیلی از مسائل چالش‌انگیزی است که مورد توجه موافقان و مخالفان قرار گرفت. در بدو امر با توجه به مطلوبیت سود از منظر ورزشکاران و نگره سودگرایی، جواز مصاف با ورزشکاران اسرائیلی به ذهن متبادر شد. سودگرایان در محاسبه، اولویت‌بندی، توزیع عادلانه سودها و قواعدی که بیشترین سود را در پی داشته باشد، گرفتار ابهام‌اند. تعارضات اخلاقی در رویکرد اسلام ذیل بحث تراحم اصولی و با معیار رجحان تطابق با قانون الهی و عقل بررسی شد. طرفین تعارض بر پایه گزاره «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» در مصداق مصاف با ورزشکاران اسرائیلی استوار است. با تبیین مفهومی واژه «حق»، انگاره «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به معنای حق بودن «امتیاز و تسلط ورزشکار بر منافع خویش» است و لزوماً از معنای «حق بودن»، «حق داشتن» استخراج نگردید، یعنی با وجود شرایط مقتضی، اگر ورزشکار از امتیاز و سهمیه خود استفاده کند، این «حق» است و نه «باطل». بر فرض قبول «حق» به معنای مصدری «حق داشتن»، متعلق «حق» کمیته‌ها و فدراسیون‌های ورزشی هستند و نه ورزشکاران. با این تبیین، در طرف اول تعارض «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» حق و تکلیفی برای ورزشکاران ثابت نشد. از سویی، «حمایت از مظلوم» در مصداق عدم مسابقه و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، مطابق با اعتقادات و باورها است و از همین رو، طرف دوم تعارض رجحان و اولویت یافت و بنا به مقتضای قاعده تراحم مقدم شد. تلاش مسئولین در حل چالش مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات بین‌المللی و جبران خسارت جامعه ورزشی، لازم و ضروری است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. (الطبعة الاولى). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 انکینسون، آر. اف. (۱۳۷۰). فلسفه اخلاق. (ترجمه: سهراب علوی نیا). تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
 آل بحرالعلوم، محمد. (۱۳۶۲). بلغه الفقیه. (با شرح و تعلیق: سید محمدتقی آل بحرالعلوم). تهران: مکتبه الصادق.

توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۷). دکترین «حق داشتن» در برابر «حق بودن» با رویکردی بر نظر امام خمینی.

پژوهشنامه متین: ۲۲، (۸۹)، ۲۵_۵۴.

جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۲۴ق). التعريفات. (الطبعة الاولى). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). حق و تکلیف در اسلام. قم: مرکز نشر اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۹۷۴م). الصحاح فی اللغة و العلوم. (اعداد و تصنیف: ندیم مرعشلی و اسامه مرعشلی، الطبعة الاولى). بیروت: دار الحضارة العربیه.
حسینی حائری، سید کاظم. (۱۴۲۳ق). فقه العقود. (الطبعة الثانية). قم: مجمع الفكر السالمی.
خراسانی، محمد کاظم (آخوند خراسانی). (۱۴۰۹ق). کفایه الاصول، (الطبعة الثامنة). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا. (۲۰۲۱). خبرگزاری مهر. آرش میراسماعیلی. برگرفته از-

<https://fa.wikipedia.org/wiki>

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. (چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سایت خبری رجانیوز. (۱۳۹۸). برگرفته از- <https://www.rajanews.com/news/329119/>

سلیمانی کشایه، سجاد؛ رضایی صوفی، مرتضی؛ خداپرست سرشته، سیاوش. (۱۳۹۵). اخلاق ورزشی. تهران: بامداد کتاب.

سهلی، نبیل محمود. (۲۰۰۴م). فلسطین أرض و شعب. دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
شریعتی فیض آبادی، مهدی. (۱۳۹۹). جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ دوگانه ورزش در عرصه بین الملل. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۳۳ (۴)، ۲۲۴_۲۰۵.
شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ق). ذکر الشیعه فی احکام الشریعه. (الطبعة الاولى). قم: مؤسسه آل البیت (ع).

شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۰ق). کتاب المکاسب. بیروت: مؤسسه النعمان.
صالح، محسن محمد. (۲۰۰۲م). فلسطین: کوالا لامپور: بی نا.
صرامی، سیف‌الله. (۱۳۸۵). حق، حکم و تکلیف. (گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

طباطبایی حکیم، سید محسن. (بی تا). نهج الفقاهه. (چاپ اول). قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. (چاپ اول). تهران: انتشارات راه رشد.
فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۳). اخلاق حرفه‌ای. (چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات مجنون.
فرانکنا ویلیام کی. (۱۳۹۲). فلسفه اخلاق. (ترجمه: هادی صادقی، چاپ چهارم). قم: انتشارات طه.
فروغی، سید علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی فقهی و حقوقی مفهوم حق و تکلیف. دوفصلنامه فقه و حقوق



۱۳۵

خصوصی، (۱۱)، ۳۶_۳.

قیومی، احمد بن محمد. (۱۹۸۷م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. بیروت: مکتب لبنان. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). فلسفه حقوق. (ج ۳). تهران: شرکت سهامی انتشار. الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷ق). اصول کافی. (ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی). شیراز: انتشارات علمیه اسلامی.

محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۷). مباحثی از اصول. (چاپ پنجم، ج ۳). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۷). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. (تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). معلوف، لوئیس. (۱۳۸۰). المنجد فی اللغة. (ترجمه: محمد بندرریگی، چاپ سوم). تهران: انتشارات ایران.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۳ق). انوار الفقاهه. (کتاب البیع). (الطبعة الثانية). قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی). (۱۳۷۸). صحیفه امام. (ج ۲۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). فوائد الاصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۸ق). منیه الطالب. (نگارش: موسی نجفی خوانساری). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

الواعظ، السید محمد سرور. (۱۴۲۰ق). مصباح الاصول. قم: مکتبه الداوری.

Chappell, Tim & Roger, Crisp. (1998). utilitarianism, in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Routledge: London and New York.

Hohfeld, W. (1919). *Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning*. New Haven: Yale University Press.

<https://farsi.khamenei.ir>

www.olympic.ir/fa/aboutnoc/nochistory.



۱۳۶